



پاینده ایران

از گامهای ثمر بخشی که سال گذشته برداشته شد تشکیل نشستهای وابسته بکانون آرمانشناسی در تهران بوده است .

در این نشستها از سوی پندار رهبر و آژیر اندیشمند نهضت ما مسائل و مطالب مهم و ضروری مورد نقد و بحث قرار میگیرد .

در نوروز سال جاری بسرور فرزین × مأموریت داده شد تا بخوزستان عزیمت نموده کنگره آموزشی از مسئولین حزب در آنسامان تشکیل دهند و چکیده مطالب مطروحه در نشست های کانون آرمانشناسی را مطرح نمایند .

پس نخستین کنگره آموزشی استان خوزستان در روز هفتم فروردین ۳۷ در مرکز آن استان تشکیل گردید .

در پیرامون مسائل فکری و حوادث اخیر خاور زمین بحثهای جامع و روشنگر از سوی سروران فرزین - افشین و مرزبان صورت گرفت که کوتاه شده آن بشرح زیر است .

کوتاه شده سخنرانیهای کنگره آموزشی خوزستان

۱ - در نخستین سخنرانی که تحت عنوان ((پیمان بغداد و اتحاد آریانژادان)) ایراد گردید آشکار شد که با توجه باصل اصالت ملت دوری جستن از سیاست غلط موازنه منفی عملی است درست چه در عصر حاضر ملت ایران نمیتواند بدون داشتن روابطی با ملل دیگر جهان در راه سر بلندی گام بردارد و بحقوق تاریخی خود برسد ولی شرکت در پیمانی که همه اعضا آن از دشمنان دیرین ملت ایران هستند دلیل برکشور بینی مسئولین امر و هیئت

حاکمه و آشنا نبودن بناسیونالیزم ملت ایران است زیرا ایران همیشه با ترکیه - عراق و انگلیس اختلافاتی داشته است و حقوقی از ایران توسط این دولتها غصب شده ما در نخستین قدم با عراق بر سر مسئله شط العرب و مناطق کرد نشین و سرزمینهای ایرانی اختلاف داریم . انگلستان در خلیج فارس بملت ما لطمات بسیار وارد آورده و مسبب تجزیه قسمتهائی از میهن ما بوده و هم اکنون بر سر مسئله بحرین با ما می ستیزد . منابع ملت ما را تاراج کرده و هم چنان بچپاولگریها و اقدامات مخرب خود ادامه میدهد . ترکیه نسبت بقسمتهائی از سرزمین ما چشم طمع داشته و هنوز گروهی از هم میهنان کرد ما را زیر تسلط دارد .

این خطا است اگر ایران در موارد بحرانی و خطیر از چنین هم پیمانیهائی توقع کمک داشته باشد . تجربیات گذشته نزدیک نشان داد که بر سر مسئله بحرین عراق جانب انگلستان را میگیرد و انگلستان منکر حقوق ملت ایران بر جزایر و سواحل خلیج فارس میشود .

در برابر این پیمان ایران کنونی با پاکستان و افغانستان همسایه و همزبان و همزاد و هم تاریخ است . نیروهای انسانی این دو همسایه در مقام مقایسه با اعضا پیمان بغداد برتری و فزونی خود را می نمایانند و از سوئی دیگر با توجه به تعداد اعراب و خطرات احتمالی آنها تشکیل اتحادیه ای مرکب از ایران و پاکستان و افغانستان کمال لزوم را دارد . توجه بوضع افغانستان از نظر سیاسی و مرزی (راه نداشتن بدریا و احتیاج اقتصادی بایران) و همچنین موقعیت خاص پاکستان نشان میدهد که ایندو نیز دوستی ایرانرا با گرمی و سرور پذیره خواهند شد و بالاتر از همه این اتحاد قدم مؤثری است در راه هدفهای بزرگ آینده ملت ایران .

نتیجه این بحث آنستکه ایران باید طرح اتحادیه ای بزرگ را که هسته اصلی آن ایران - پاکستان و افغانستان باشد بریزد و از پیمان بغداد که برای او ثمری جز زیان ندارد دوری جوید .

۲ - ((اتحاد اعراب و ناسیونالیزم ایران)) در این بحث اوضاع خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفت و با اشاراتی بتاریخ گذشته آشکار گردید که سیاستهای استعماری بارها تا کنون خواسته اند با استفاده از پان عربیسم که در بعضی موارد در لباس پان اسلامیسیم تظاهر کرده است در خاور زمین نفوذ خود را حفظ کنند و اشاره ای بحوادث زمان ناصر الدینشاه که منجر بقتل او شد روشن کرد که دولت عثمانی نیز در زمنیه این سیاست دستخوش صید دولتهای اروپائی بوده و هوس امپراطوری بزرگ اسلامی را تحت نفوذ خود در سر می پرورانیده است .

در همین بحث بود که بدو خطر عرب و ترک اشاره گردید و نیز این امر مورد شرح و بسط بیشتر قرار گرفت که همیشه این دو خطر ملت ایران را در مواردی که دچار ضعف داخلی و پریشانی و عدم لیاقت هیئت حاکمه بوده است مورد تهدید و تجاوز قرار داده اند . این دو خطر با تمامیت ارضی - استقلال ملی و فرهنگ بر درخشش آریائی ملت ما همیشه سرستیز و عناد داشته اند . ملت ایران در طول تاریخ پر نشیب و فراز خود همواره مورد تهاجم این دو خطر بوده است و با سعی و کوشش بسیار برابر ایلغار این دو خطر از گوهر فروزنده تمدن بشری نگهداری نموده است .

در یکصد و پنجاه سال اخیر خطر سومی که خطر اروپائیان بوده است و در پیشاپیش آنان سیاست مخرب انگلستان قرار دارد بر این خطرات دیرینه بملت ما افزوده گردیده است .

درطول این یکصد و پنجاه سال چه بسیار که برای تضييع حقی از ملت ما و تجاوز بتمامیت ارضی و استقلال سیاسی ایران این سه خطر با یکدیگر همگام و هم آواز گردیده اند .

درباره جمال عبدالناصر و اعمال و اقدامات او بحث دقیقتری صورت گرفت و نسبت به تغییرات بسیاری که اخیرا در وضع اعراب داده شده است کنکاش بیشتری انجام شد و خلاصه آنکه .

اول - ناصر برای ملت عرب تا کنون رهبری توانا و ناسیونالیستی بیدار بوده است .

دوم - ناسیونالیسم عرب که درفشش را ناصر برافراشت از ابتدا تجاوز بناسیونالیسم ملت ایران و حقوق تاریخی و اجتماعی ایرانیان بوده است .
عنوان نمودن عربی بودن خلیج فارس و بحرین و دیگر جزایر خلیج که بخشی از میهن بزرگ ایرانیان میباشد خود نشانی از دشمن نیروهای و اهریمنی است که این زمزمه را ساز کرده اند .

سوم - گذشته از آنکه بحکم سوابق تاریخی اعراب از دشمنان دیرینه ملت و فرهنگ آریائی ما میباشند . اکنون نیز هر یک از اتحادیه ها و قدرتهای عربی با وجود اختلافاتی که با یکدیگر دارند در تجاوز بآبها و خاکهای وطن ما و دشمنی با عظمت ملت ایران و درخشندگی فرهنگ ایرانزمین همصدا و همگام میباشند .

چهارم - در سرتاسر خلیج فارس انگلستان بر ضد ملت ایران از دعاوی بی اساس اعراب پشتیبانی و آنان را در تجاوز بحقوق ملت ایران تشویق و تحریص میکند .

پنجم - هیچ ایرانی آزاده و بیدار دل و وطن پرستی با دشمنان ایران دوستی نمیکند و با متجاوزین بحقوق ملت بزرگ خود هم پیمان نمیشود .

۳ - در سومین سخنرانی تحت عنوان ((ما و دیگران)) روش حزب پان ایرانیست در دوره دوم از رزم بزرگ ناسیونالیستی ملت ایران با توجه بحوادث چند سال اخیر و عدم صلاحیت دستگاهها و گروههای موجود در مملکت برای رهبری ملت تشریح شد . در طی این بحث آشکار گردید که در ۱۵۰ سالیکه ملت ایران دچار تجزیه و فترت بوده است بارها جنبش‌هایی صورت گرفته ولی هر بار جنبش ملت ایران بعلت نداشتن کادری ناسیونالیست در مقام رهبری مواجه با شکست و نا کامی گردیده است . اشتباهات گذشته و محافظه کاریهای دستگاههای مسئول در برابر بلشویکها و جناحهای هیئت حاکمه مورد بررسی دقیق قرار گرفت و این شد که همه این خطاها و کجرویها بعنت آشنا نبودن

باصول ناسیونالیزم ملت ایران بوده است . سپس سخنی چند از هیئت حاکمه یعنی آن نظم سیاهی که طی یکصد و پنجاه سال مسبب همه زبونیها و نابسامانیهای ملت ایران بوده است گفته شد و بطور قاطع بیان گردید که هر فرد یا دسته و دستگاهی که با همه یا بخشی از عقاید مکتب پان ایرانیسم مخالفت داشته باشد بهمان اندازه با منافع ملت ایران دشمنی دارد و پس از آن وضع موجود از نظر سیاست خارجی و داخلی تشریح شد اشتباهات مسئولین امر در موارد مختلف و عدم صلاحیت دستگاههای موجود برای تحقق بخشیدن بآرمان پان ایرانیسم روشن گردیده در زمینه سیاست داخلی عدم تولید - ضعف بنیه اقتصادی - نداشتن برنامه برای صنعتی کردن کشور عدم توجه بنیروی دریائی برای حفظ حقوق ایران در خلیج فارس - افراط و تفریط در بودجه کشور - عدم پیوستگی امور و تشتت در دستگاههای اداری مورد انعقاد شدید قرار گرفت و در زمینه سیاست خارجی اهمالکاری در برابر غاصبین حقوق ایران و نداشتن قاطعیت دلیل بر بی لیاقتی و انحراف مسئولین و دستگاههای موجود شناخته شد .

با بررسی حوادث چند سال گذشته عدم لیاقت افراد و گروههای سیاسی که فاقد هدف و برنامه ای مطابق با آرمانهای ملت ایران میباشند آشکار شد و با توجه بوقایع گذشته در رزم بزرگ ناسیونالیستی آشکار گردید که حزب ما در مدتی کوتاه پیروزیهای بزرگی بدست آورده است و در اثر مجاهدات بسیار کوشندگان این طریق و روشن بینی و ژرف اندیشی رهبران حزب پان ایرانیست بوده است که امروز اجتماع ما در پیشگاه ناسیونالیزم ملت ایران سر فرود آورده است و پان ایرانیسم چون یک ضرورت تاریخی و اجتماعی بر همگان آشکار گردیده این بارزترین دلیل بر پیروزی فکر ماست .

اینک در دومین مرحله از مبارزات خود بجرات اعلام میکنم که هیچ قدرتی جز ما و حزب ما حق بدست گرفتن حکومت را ندارد . همانسان که در کتاب مقدس بنیاد آمده است .

فقط آن قدرت حق ایجاد حکومت حزبی را دارد که متکی بر آرمان ایرانیان یعنی
پان ایرانیسم باشد.

ما اجازه نخواهیم داد بار دیگر نیروهای فعال و جوان را بفریبند و اجتماع را دچار یأس و اندوهی مرگبار سازند - این حق تاریخی ماست که نهضت نسل جوان را همچنانکه تا امروز رهبری کرده است رهبری کند و به پیروزی برساند. هر که در این راه با ما و نشانه های ما بستیزد در حق ملت ایران و نسل آینده دشمنی کرده است.

نتیجه آنکه با توجه بتجارب گذشته و بررسی وضع موجود جز در پناه پیروزی حزب پان ایرانیست امیدی به نجات ملت ایران نمیتوان داشت و تنها در این مسیر است که ملت ایران میتواند شاهد درخشش خورشید پیروزی و سر بلندی و سروری ایران بزرگ باشد.

۴ - چهارمین سخنرانی تحت عنوان ((اقتصاد بی نیاز کننده و

مالکیت خانواده)) صورت گرفت. پس از تعریفی که از ملت بعنوان حلقه های بهم پیوسته از نسلهای هم خون که در مسیر زمان جریان دارد بیان گردید و درباره میهن بعنوان هم بسته ای از خاک و خون توضیح داده شد و اشاره گردید که از نظر حزب ما فرد واحد اجتماع نیست - فرد عنصری است فناپذیر - آنچه حیات نسل و ملت را تأمین میکند خانواده است از نظر حزب ما خانواده واحد مقدس اجتماعی میباشد. درباره مالکیت از نظر ناسیونالیسم سخن بمیان آمد و نتیجه گرفته شد که:

اول - خانواده در نظام ناسیونالیستی چون پدیده قائم بالذات شناخته شده است و دارای حقی است متکی بر خود نه بر شناسائی فرد.

دوم - هر خانواده ایرانی بحکم اینکه حلقه ایست در سلسله زنجیر ارتباطی نسل ایرانی مالک قسمتی از آب و خاک و ثروت ملی است.

سوم - هر خانواده در محلی که سکونت دارد و در زمینی که کار میکند بحکم آن پیوستگی خون و خاک مالک آن قسمت از سرزمین خود میباشد.

سپس بحث درباره وضع اقتصادی مملکت کوشش شد و بیان گردید که :
الف - اقتصاد ناسیونالیستی اقتصاديست بی نیاز کننده بدینسان که مملکت را
از منابع تولیدی و صنعتی خارج هر چه بیشتر باید بی نیاز سازد .

ب - اقتصاد ناسیونالیستی اقتصاديست ارشاد شده و کلیه نیروهای انسانی و
غیر انسانی باید تحت یک رهبری و ارشاد کلی برای حصول به هدفهای بزرگ
جامعه ناسیونالیستی قرار گیرد .

پ - از نظر اقتصاد بی نیاز کننده ایجاد صنایع سنگین ستون اصلی اجرای
برنامه است .

ت - بدون فراهم ساختن صنایع سنگین و بگردش در آوردن چرخ کارخانه
های عظیم نمیتوان دارای استقلال اقتصادی و قدرت اجتماعی در جهان امروز
بود .

ج - دستگاہ حاکمه در این مورد بملت ایران خیانت میکند و هرگز برای صنعتی
نمودن کشور اقدامات اساسی مبذول نمیدارد - آرزوی هر ایرانی اینستکه روزی
در سرتاسر کشور صدای گردش چرخ کارخانه ها در آسمان وطن طنین انداز
شود .

ه - در این قسمت از برنامه کنگره تحت عنوان ((کنسرواتيو و انقلابی در
اخلاق)) بیان شد که کنسرواتيو را محافظه کار ترجمه کرده و در اصطلاح
کنسرواتيو کسی است که بخواهد آنچه را که موجود است بهمان شکل حفظ کند
و مخالف هر گونه تغییر و تکامل باشد و انقلابی کسی را گویند که با هر چه
قدیمی و کهنه است دشمنی ورزد و پایبند هیچ قانونی و قاعده کهنی نباشد .
چون این دو اصطلاح دارای معانی وسیع در زمینه های مختلفی هستند ما در
زمینه اخلاق آنها را بررسی میکنیم .

برای اینکار لازم است نخست بکرسی جهان بینی خود یعنی ناسیونالیسم قرار
بگیریم و سپس داوری کنیم . ما اخلاق را برای حفظ ملت میخواهیم ملت ما چون
در جهان خواسته است بماند قوانینی برای بقا و عظمت خود اختیار کرده است

که بخشی از آن را اخلاق نام نهاده است قوانین اخلاق را شخص و با اشخاص بخصوص وضع نکرده اند بلکه اینکار طی قرنهای پیشمار توسط نسلها انجام گرفته است برای حفظ ملت و حفظ واحد اصیل ملت یعنی ((خانواده)) .

پس ما نسبت بآنچه اصول ملی ما را تهدید میکند انقلابی هستیم ولی نسبت بآئین های ملی و جوانمردی بهیچ عنوان انقلابی نیستیم و از نظر کنسرواتیوها حافظ سنن ملی خود و آئین رسوم خویش بوده و مدافع فرهنگ و تمدن خود میباشیم و آنچه را که نشانه هائی از اهریمن دارد از میان خواهیم بود .

۶ - در ششمین و آخرین برنامه تحت عنوان ((جنگ نسلها)) پس از بررسی اصطلاحات مزورانه و نادرست جنگ طبقاتی و توضیح درباره ملت بعنوان یک مقوله اجتماعی و تاریخی بیان شد که نمیتوان در اجتماع قائل بطبقاتی شد و جنگی که امروز در اجتماع ما وجود دارد و احساس میشود جنگ بین دو نسل حاکم و نسل جوان میباشد . نسل فاسد ها که مسبب پریشانی و نابسامانی ملت ایران بوده و هرگز قادر نخواهد بود بر ضد تیرگیهای موجود اقدامی نماید چه خود در پدید آوردن پلیدیهای کنونی شریک بوده است و در برابر این نسل فرسوده نسل جوان قرار دارد که با هر گونه سیاهی و تباهی می ستیزد و قطب این مبارزه و مغز فعال و متحرک این نسل حزب پان ایرانیست و رهبران و اقطاب این حزب میباشدند .

وظیفه ما امروز آنستکه هر چه بیشتر به نیرومندی صف جوان و تشکل آن بیافزائیم و مانع از آن شویم که عناصر فعال و جوان در پلیدیهای نسل فرسوده و هیئت حاکمه بدام تباهی اسیر شوند چنانکه در بنیاد آمده است نهضت نباید اجازه دهد افراد بسیار بسبب عدم آشنائی از وظیفه ملی خود دور مانند .

و نیز اشاره شد که در این مرحله از رزم ناسیونالیستی نمیتوان بقوای فرسوده و مایوس هیئت حاکمه و نسل فاسد حاکم اتکا داشت در این باره در کتاب مقدس بنیاد چنین آمده است .

این خطاست که جوانان هنگام فترت در پی کسانی بروند که راه خود را بسوی هیئت حاکمه جستجو میکنند . این خطاست که جوانان بر تمایلات پست جامعه

تکیه زنند و برای انهدام هیئت حاکمه بدستگاهی که مولد همین تمایلات و متناسب با همین رذالت است متوسل شوند.

نتیجه بحث آنکه این جنگ بین دو نسل - بین تیرگی و روشنائی - زبونی و سروری درگیر است. نسل جوان خواهان برتری و عظمت ملت ایران بوده دارای نیرومندی و آرمان بزرگ برای رسیدن به هدفهای بزرگ آینده میباشد. در برابر نسل جوان نسل فرسوده فاقد تحرک و روشن بینی و آرمانخواهی لازم تنها برای حفظ خود و تسلط نفوذ پلید خود بهر نحو و با هر شرایطی میکوشد. مظهر نسل جوان و رهبر این نسل متحرک و آرمانخواه حزب پان ایرانیست و مرکز نسل فرسوده و تباه هیئت حاکمه است.

وظیفه هر عنصر آرمانخواه در این عصر آنستکه بر نیرومندی صف آرمانخواه بیفزاید و امید همگان را باین سوی معطوف دارد تا در برابر صف اهریمنی نسل فرسوده پیروزی ملت ایران تضمین شود.

در پایان برنامه دبیر کنگره اعلام کرد که مباحث مطروحه در این جلسات مطالبی هستند که باید توسط سروران و مسئولین شهرستانها با افراد و دوستان حزبی تعلیم داده شود. تشکیل این کنگره قدم مؤثری بود که در راه هماهنگ ساختن مبارزات حزبی در شهرستانهای استان خوزستان و طرح برنامه های دقیق برای آینده.

امید است بیاری اهورا و برهبری پندار خردمند و آژیر اندیشمند همه ساله چنین کنگره هائی در مراکز استانها و شهرستانها ترتیب دهیم تا نسل جوان راه خود را باز شناسد و بوظایف تاریخی خویش بهتر آشنا گردد.

از اهورا میخواهیم دوستان ما را در نبردهای ایزدی حزب پان ایرانیست نیرو دهد و آنها را موفق بدارد تا بتوانند بدینوسیله ایرانزمین را سربازی فداکار و ((پندار)) بزرگ را همگانی وفادار و فرمان بردار باشند.

×سرور فرزین = سرور دکتر عباس رو بخش

پاینده ایران

۳۷ / ۱ / ۷

حزب پان ایرانیست جاوید باد